



قاتل با چاقو به سر پسر جوان زد؛

قتل خونین پسر ۱۸ ساله به خاطر چشم در چشم شدن!

گروه حوادث - ساعت ۱۷ روز چهارشنبه ۱۱ بهمن ماه خیر درگیری و نزاع خونین بین چند پسر جوان توسط یک مرد به پلیس گزارش شد که پس از اعزام مأموران کلاتری ۱۵۲ خانی آباد مشخص شد فرد تماس گیرنده با پلیس خودش یکی از شرکت کنندگان در آن نزاع دسته جمعی بوده است.

بررسی های ابتدایی مأموران در صحنه نشان از آن داشت که هر ۵ نفر حاضر در صحنه از اتباع هستند که به خاطر چشم در چشم شدن که بین آنها رخ داده با هم درگیر و یکی از این پسرهای جوان که ۱۸ سال بیشتر نداشت بر اثر اصابت چاقو به سرش توسط عوامل اورژانس به بیمارستان بهارلو منتقل و در نهایت بعد از ۳ روز به دلیل شدت جراحت وارد شده به کام مرگ فرو می رود.

پس از انجام تحقیقات اولیه توسط کارگهان اداره ۱۰ پلیس آگاهی ۲ مأموران اصلی این پرونده را از روی پلاک موتورسیکلتشان شناسایی و بازداشت کردند تا اینکه پس از تایید مرگ پسر جوان توسط پزشکان بیمارستان، گزارش قتل در ساعت ۳ بامداد روز ۱۴ بهمن ماه خبر به بازپرس محمدمهدی براعه از شعبه سوم دادسرای امور جنایی اعلام شد تا وی به همراه تیم بررسی صحنه جرم برای روشن شدن زوایای پنهان در این قتل خونین در بیمارستان و محل جنایت حاضر شوند.

تحقیقات اولیه نشان از این داشت که ۲ متهم اصلی هنگامی که در پارک ولایت مشغول پارک موتورسیکلتشان بودند با ۳ پسر جوان روبرو شده و باهم درگیر و سپس با ضربات چاقو به هم حمله میکنند که در نهایت در این پسر ۱۸ ساله به نام سینا مجروح و پس از انتقال به بیمارستان بعد از ۳ روز به کام مرگ فرو می رود.

صبح ۱۵ دی ماه پس از اینکه متهم ردیف سوم این پرونده قتل توسط مأموران کلاتری ۱۵۲ بازداشت شده همراه ۲ همدست دیگرش برای تحقیقات به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شدند.

در بازجویی های ابتدایی از این ۳ متهم مشخص شد تمام اعضای درگیر شده در این نزاع دسته جمعی از اتباع و ۲ نفرشان برادر هستند. متهم اصلی در اعترافات خود به بازپرس براعه گفت: من و پسر

عموم حمید بعد از اینکه کارمان تمام شد برای قدم زدن و تفریح وارد پارک ولایت که نزدیک خانه مان است شدیم، مشغول پارک کردن موتورمان بودیم که ۳ پسر جوان کم سن و سال از کنار ما رد شدند و در حین رفتن باهم چشم در چشم شدیم همین موضوع مرا عصبانی کرد و دلیل نگاه کردنم را پرسیدم که سوال من باعث شروع درگیری بیی ما شد.

شعبه ۳ دادسرای امور جنایی تهران
آرام رضاورسول ۳ متهمی هستند که باهم ۲ تا ۳ سال تفاوت سنی دارند، رضاورسول برادر هستند، رضایرادر کوچکتر از متهمین اصلی این پرونده قتل خونین است!

چند سال داری؟ ۲۷ سال
مجرد هستی؟ خیر
شغل؟ در یک کارگاه گلدوزی کار میکنم
اهل کدام منطقه تهران هستی؟ جنوب غربی تهران
در خصوص روز حادثه برای ما تعریف کن چه شد که بازداشت شدی؟
من در این درگیری هیچ نقشی نداشتم، وقتی برادرم را دستگیر کردند به همراه او مادر و پدرم هم به کلاتری رفتند، با موتور برای بردن آنها پیش پلیس رفته بودم که مرا هم بازداشت کردند.

یعنی روز درگیری در صحنه جرم نبود؟
نه در آن ساعت من داخل کارگاه مشغول به کار بودم و برای این ادعایم شاهد دارم

وقتی برای بردن خانواده ات پیش پلیس رقتی متوجه شدی که برادر به جرم قتل بازداشت شده؟
بله

فکرش را می کردی برادر ت دست به قتل زده باشد؟
رسول به من گفته که برای کمک کردن به آروین به پارک رفته و نقشی در این درگیری نداشته است.

بازپرس براعه پس از شنیدن اظهارات این متهم و شهادت صاحب کارگاه مبنی بر حضور رسول در ساعت وقوع جرم در کارگاه دستور آزادی وی را صادر و متهم دوم یعنی رضا و صاحب موتورسیکلت

هدف تحقیق قرار گرفت.
متهم ردیف دوم
چند سال داری؟
متولد سال ۱۳۷۸ هستم و برادر کوچکتر رسول هستم
متاهلی یا مجرد؟ مجرد
میزان تحصیلات چیست؟ بی سواد هستم
چندمین فرزند خانواده هستی؟ سوم
سابقه داری؟ خیر
شغل چیست؟ خیاط هستم
چند سال است که به ایران آمده اید؟ فکر می کنم سال ۱۳۹۰ بود که با خانواده ام برای زندگی کردن و کار به ایران آمدم
به چه جرمی بازداشت شدی؟ مشارکت در قتل
با قاتل چه نسبتی داری؟ از بچه های یک محله هستیم
زمان وقوع جرم کجا بودی؟ تازه از سر کار به خانه برگشته بودم که آروین با من تماس گرفت و از من خواست به پارک ولایت بروم
قبل از اینکه به پارک بروی نرسیدی برای چه موضوعی از تو کمک خواسته است؟ گفت که با چند نفر دعواش شده و آنها با چاقو او را زخمی کرده اند
بعد چه شد؟ وقتی آروین تلفن را قطع کردم من هم سریع سوامو تورم شدم و خودم راه ای درسی که گفته بود رساندم، متوجه شدم چند نفر دور آروین جمع شده اند، خودم را نزدیک آروین رساندم، پایه چپش خونریزی داشت، مشغول رسیدگی به او بودم که یکی از پسرهایی که آروین با آنها درگیر شده بود از من سراغ موبایلش را گرفت، من متعجب نگاه کردم و پرسیدم مگه گوشی شما دست دوست من است؟ همین لحظه بود که آروین گوشی روز جیبش بیرون آورد و تحویل او داد.
متهم در ادامه گفت: همان پسری که موبایلش را به او داده بودم به پلیس زنگ زد و خبر این درگیری را اعلام کرد و وقتی داشتم آروین را سوار موتور می کردم تا به بیمارستان برسانمش از پلاکم عکس گرفت، من همان لحظه به او گفتم مشکلی با عکس گرفتن ندارم

اگر من خلافکار بودم حتما پلاک موتورم را مخدوش می کردم این را گفتم و آروین را به اولین بیمارستان که در نزدیکی ما بود رساندم.
بعد چه کردی؟ وقتی آروین را به بیمارستان بردم، خودم به خانه برگشتم که مأموران آمدند و مرا بازداشت کردند.
بازپرس محمدمهدی براعه در خصوص اعلام جرم این متهم گفت: حسب گزارش ضابطین، اظهارات متهم و شاکي پرونده متهم به مشارکت در نزاع دسته جمعی منجر به قتل شناخته شد و برای تکمیل تحقیقات تحویل کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی شد.

متهم ردیف اول
بعد از تفهیم اتهام ۲ برادر توسط بازپرس ویژه قتل، نوبت به متهم اصلی پرونده رسید، این پسر ۲۱ ساله از لحظه وقوع جرم گفت: من به همراه پسرعموم برای تفریح به پارک رفته بودم که مقتول و ۲ نفر از دوستانش به ما نزدیک شدند، باهم چشم در چشم شدیم و او یکدفعه چاقوی ضامن دار کوچکی که دسته ای فلزی داشت را از جیبش بیرون آورد و به سمت من حمله کرد، از حرکاتش معلوم بود که مست هستند و متوجه کارهایی که می کنند نیستند. من اول در برابرشان مقاومت کردم، او چند بار به تیز چاقویش به سینه و پای

من ضربه زد که از همان ناحیه دچار خونریزی شدم.
متهم در ادامه گفت: در همین لحظه بود که از شدت عصبانیت با زور چاقویش را از دستش بیرون کشیدم و با همان چاقو به سرش ضربه زدم، اصلا قصد کشتن رانداشتم فقط می خواستم از خودم دفاع کنم.
چند ضربه به او زدی؟ فقط یک ضربه
چاقو را چه کار کردی؟ همان جادر پارک انداختم نمی دانم کجاست دوستان دیگر مقتول هم زخمی شدند؟ نمی دانم اصلا در آن لحظه تمرکز نداشتم
چرا گوشی موبایل آنها در جیب تو بود؟ نمی دانم، فکر کردم گوشی خودم است که روی زمین افتاده است.
سابقه داری؟
بازپرس محمدمهدی براعه از شعبه ۳ دادسرای امور جنایی تهران پس از شنیدن اظهارات آخرین متهم، با توجه به گزارش مرجع انتظامی، صورت جلسه بررسی صحنه جرم، شکایت شاکیان پرونده، اظهارات متهم مبنی بر انجام قتل و فوت قربانی مجرم شناخته شده و تحویل اداره ۱۰ پلیس آگاهی شد.

قتل برادر مرد کلاهبردار جلوی چشمان پدرش

گروه حوادث - مرد میانسال که در جریان پس گرفتن پول میلیونی از مرد کلاهبردار، برادر وی را کشته بود پای میز محاکمه ایستاد و ابراز پشیمانی کرد.

اوایل مهرماه سال گذشته وقوع درگیری خونین در قهوه خانه ای در خیابان آزادی بجان تهران به پلیس اعلام شد. بررسی هانشان می داد در درگیری که میان صاحب قهوه خانه و پسرش با دو نفر از مشتری ها رخ داده پسر ۳۰ ساله صاحب قهوه خانه به نام امید به شدت زخمی شده است.

وی که به بیمارستان منتقل شده بود ساعتی بعد به خاطر شدت خونریزی تسلیم مرگ شد.

مأموران در نخستین گام از تحقیقات به پرس و جواز شاهدان پرداخته و به بازیابی فیلم دوربین مدار بسته قهوه خانه پرداختند و دریافتند امید در درگیری با یک پدر و پسر که از مشتری های قهوه خانه بودند

وقتی مرتضی روبه روی قضات ایستاد قتل را گردن گرفت.
وی در تشریح ماجرا گفت: مدتی قبل پسر مصطفی با مرد جوانی به نام سعید آشنا شده بود. سعید به پسرم گفته بود در کارخانه ایران خودرو آشنا دارد و می تواند بدون قرعه کشی برای پسرم ماشین بگیرد. پسرم که حرفهای دوستش را باور کرده بود بلافاصله ماشینش را فروخت و مبلغ ۱۸۰ میلیون تومان پول به سعید داد تا برایش بدون ثبت نام و قرعه کشی یک پژو ۲۰۶ بگیرد. اما سعید به وعده اش عمل نکرد. او مدتی بعد گفت قصد دارد یک پژو پارس به پسرم تحویل دهد. اما پس از مدتی متوجه شدیم سعید متوازیست و به همین شیوه ۲۰۰ میلیارد تومان کلاهبرداری کرده است.
وی ادامه داد: من و پسرم چند بار به قهوه خانه پدر سعید رفتیم و با او صحبت کردیم تا پول پسرم را پس دهد. اما پدرش هر بار بهانه های آورد. ما و سایر شاکي ها از سعید شکایت کرده بودیم و پرونده مان



کشته شده است.
مأموران به ردیابی پدر و پسر پرداختند و مرد ۶۰ ساله به نام مرتضی را بازداشت کردند.
اعتراف به جنایت
وی به درگیری خونین و قتل اعتراف کرد اما مدعی شد قصد قتل نداشته است.
وی گفت در جریان کلاهبرداری که برادر مقتول مرتکب شده بود با وی درگیر شده و او را ناخواسته کشته است.
مرد میانسال به بازسازی صحنه جرم پرداخت و پرونده اش با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و وی از خود دفاع کرد.
در دادگاه
در ابتدای جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند.

در حال رسیدگی بود که آخرین بار همراه پسر به قهوه خانه پدر سعید رفتیم. وکیل سعید هم آنجا حضور داشت. اما ما را تهدید کرد تا با گرفتن مبلغ کمی از شکایت صرف نظر کنیم. او با عصبانیت با من صحبت کرد و دعوا راه انداخت. پسرم به او اعتراض کرد و چون درگیری بالا گرفته بود من سعی کردم پسرم را از قهوه خانه بیرون ببرم اما همان موقع برادر سعید به نام امید و وکیل سعید به سمت ما حمله ور شدند و می خواستند پسرم را بزنند. من هم از ترس برای اینکه به درگیری پایان ندهم چاقو بی را که در جیب داشتم بیرون آوردم و یک ضربه به برادر کوچک سعید زدم که موجب مرگش شد. اما من واقعا قصد قتل او را نداشتم. من خصومتی با سعید نداشتم و از برادرش شاکي بودم و به همین خاطر از قتل پسر جوان پشیمان هستم. من از اولیای دم تقاضای بخشش دارم.
در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

	ساختمان		خیاطی		سم پاشی		اپلیکیشن خدماتی
تعمیرات و تأسیسات منزل لوازم آشپزخانه آب - برق ۰۹۱۷۹۷۵۷۲۳۰ خاکساری	خیاطی حبیبی بازار پانیز - طبقه اول - غرفه ۱۲۱ ۰۹۳۶۸۱۳۷۷۸۸	کنترل حشرات و جانوران مودی کیش سم بدون نیاز به ترک منزل و جا به جایی بازدید و مشاوره رایگان مهندس آذر ۰۹۳۴۷۶۸۶۳۷۸ - ۰۹۱۲۹۶۲۴۲۵۶ بازار هرمز S102	دوستم اپلیکیشن خدماتی کیش غذا، مارکت، خرید، دلیوری و ... www.Dustam.com ۰۹۹۶۶۷۷۳۴۳۷	خدمات	غذای خانگی	استخدام	استخدام گرافیست گرافیست آشنا به فتوشاپ مورد نیاز است. متقاضیان به نشانی، خیابان فردوسی، ویلاهای مروارید، بلوک B3، طبقه سوم، واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹
خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸	آشپز خانه خانگی دلیخون آماده پذیرش سفارشات شما ۰۹۴۶۹۱۰۳۰۲۵	نقاشی ساختمان	نیازمندیها	غذای خانگی روغنی با مدیریت خانم روغنی فاز ۷ صدف، مرکز خرید سلطانیه ۰۷۶۹۱۰۳۰۲۰۷ ۰۹۱۲۳۳۴۵۸۷۷۶	نقاشی ساختمان زارعی با ۱۵ سال سابقه کار در جزیره کیش و تهران اجرای انواع رنگ های داخل و نما سانمارکو. جوتن. اکریلیک. پلاستیکی. روغنی. پتینه درزگیری. ماستیک کناف. مولتی کالر. کینتکس و روتکس و... سیلر کلر درب چوبی و آهنی انواع رنگ مختلف دلخواه شما مشتری گرامی تلفن: ۰۹۳۴۷۶۹۸۶۱۰ واتساپ: ۰۹۱۹۸۷۱۶۲۵۰ اینستاگرام: Bac_graphic	از مترجم متن زبان، فارسی به انگلیسی به صورت پاره وقت دعوت به عمل می آید. ۴۴۴۲۴۹۹۹	

صنایع چوب **حلاج کیش** کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲۰